

جرس، پیام رسان قفسی!

امروز دومین سالروز تولد «جرس» است. معمولاً حوالی دوسالگی، کودکان افتان و خیزان راه رفتن آغاز می‌کنند و بریده بریده به تمرین سخن می‌پردازند. جرس نیز به حول و قوه الهی و حمایت هموطنان همفکر و همدرد، دوران طفولیت خود را با سینه‌خیزی در سرد و گرم حوادث طی کرده و اینک می‌رود راه رفتن را تجربه کند و سخن گفتن را بهتر بیاموزد.

بچه‌ها وقتی دست و پا در می‌آورند و به راه رفتن می‌افتند، درست است که از شیر گرفته و به ظاهر مستقل و خودکفا می‌شوند، اما هم غذاهای متنوع و مفصل‌تری می‌طلبند، هم زحمت والدین و مسئولیت‌شان در مراقبت و محافظت از آنان در برابر خطرات بیشتر می‌گردد.

جرس از جمله نوزادان بیرون از قفس جنبش سبزی است که برای اطلاع رسانی از آنچه در وطن می‌گذرد و کتمان می‌شود، دو سال قبل روئیدن آغاز کرد و در پرتو نور آگاهی و آزادی‌خواهی این جنبش به حیات خود ادامه داد. در این مدت مام میهن در آغوش مهر و محبت خود آن را تر و خشک کرده و فرزندان ملت با ارائه تحلیل‌ها، گزارش‌ها و ارسال مقالات تغذیه‌اش کرده‌اند. اینک در این سالروز تولد، متواضعانه از همه خانواده سبزی تشکر و تقدیر می‌کنیم و خود را مدیون مهر و محبت آنان می‌دانیم. بی‌تردید رشد و بالندگی آینده ما وابسته به حمایت و همکاری این خانواده سربلند است.

اعتراف می‌کنیم کم و کاستی‌ها و اشتباهاتی هم داشته‌ایم، اما همچنان که والدین بر کودکان خود در مسیر رشد و کمال و تعلیم و تربیت عیب نمی‌گیرند، از ملت رشید خود انتظار داریم به چشم اغماض به نواقص و نارسائی‌های ما بنگرند و از راهنمایی و تذکر خود ما را محروم نسازند.

اینک رهبران جنبش سبزی در پنهان‌گاه اقتدارگرایان محبوس‌اند و هیچ خبری از آنان نیست، آزادگان کثیری از پرچمداران سبزی در سلول‌های انفرادی و زندان‌های متعدد اسیر و از حقوق اولیه خود محرومند. دانشگاه‌ها زیر چکمه نظامیان لگدکوب می‌شوند و ملت ستم کشیده ما در چنگال حاکمانی بی‌رحم و بی‌کفایت و مدیرانی نالایق در متن ناامنی، بی‌عدالتی، گرانی، فقر، فساد، فحشاء و... به سر می‌برد. در این شرایط بی‌تردید بار مسئولیتی که بر دوش آگاهان جامعه قرار دارد سنگین‌تر از همه ادوار گذشته است.

می‌گویند حفظ انقلاب، آزادی و عدالت، از به دست آوردن آن سخت‌تر است. تجربه انقلاب مشروطیت و انقلاب سال ۵۷ باید برای ما عبرت‌آموز بوده باشد، آنچه بر ما می‌رود، ناشی از رها کردن میدان مسئولیت و سپردن آن به ناهلان و فرصت‌طلبان است، هیچ درمانی جز جبران مافات وجود ندارد. هرچند گذشته‌ها بر نمی‌گردد، اما آینده را می‌توان با توکل و تلاش ساخت. صبر و استقامت در برابر سختی‌ها و امیدواری به آینده، تضمین‌کننده پیروزی است.

اگر نهادهای مستقل مردمی در کشورهای استبداد زده مشرق زمین پا نمی‌گیرند و عمر کوتاهی دارند، همه گناه را نمی‌توان به گردن حکومت‌ها انداخت؛ عادت به زود و زور و ضربتی عمل کردن، غفلت از سرمایه زمان و تکیه بر صبر و استقامت، کم حوصله‌گی، زود رنجی، تک‌روی، خصلتی بودن و خودخواهی فردی و گروهی را هم نباید دست کم گرفت. آفت این شجره همه‌اش بیرونی نیست، در لابلاهی پوسته‌های تنه نیز آفات فراوانی لانه کرده‌اند.

اگر در داخل کشور این نظام تمامیت طلب ولایت مطلقه فقیه است که نهادهای مستقل و "ان جی او"های برآمده از دوران اصلاحات را تعطیل می‌کند و چشم دیدن هیچ نهاد آزاد مردمی را ندارد، حداقل در خارج کشور که چنین زور و اجباری وجود ندارد، چرا نباید و نمی‌توان عمر این نهادهای مستقل را، همچنان که در دنیای آزاد، نسل اندر نسل ادامه می‌یابد، طولانی‌تر کرد؟

جرس یکی از شاخه‌های این شجره سبزی است، هر درختی با شاخه‌های خود تنفس می‌کند. انرژی خورشید از تک تک برگ‌هاست که به بدنه می‌رسد، آبیاری دائمی این درخت و داریست بودن برای ممانعت از شکست شاخه‌ها، میوه‌ها را مضاعف می‌کند و میوه برای مصرف کننده است.

ای باورمندان، اگر خدا (حقیقت) را یاری کنید، یاری‌تان می‌کند و گم‌هایتان را استوار می‌سازد (سوره محمد، آیه ۷)

عبدالعلی بازرگان

۲۹ تیرماه ۱۳۹۰

۲۰ جولای ۲۰۱۱